

<div>معین رضینی</div>
<div>روزنامه‌نگار</div>

<div>۱۹ آبان ۳۶ سال قبل نمایندگان مجلس خبرگان رهبری با توجه به شرایط حساس کشور و نگرانی از سلامتی امام‌خمینی(ره) آیت‌الله حسینعلی منتظری را به‌عنوان</div>

یکی از بخش‌های مهم نامه ششم فروردین امام‌خمینی(ره) به‌منتظری مربوط می‌شود به قضایای مهدی هاشمی ونفوذ وی در بیت منتظری. امام در این نامه خطاب به منتظری می‌گوید «در مساله مهدی هاشمی قاتل، شما او را از همه متدینین متدین‌تر می‌دانستید و با اینکه برایان ثابت شده بود که او قاتل است، مرتب پیغام می‌دادید که او را نکشید.» اعتماد بیش از حد منتظری به مهدی هاشمی و لجاجت بیش از حدی وی دربرابر حق و محاکمه هاشمی یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط منتظری است. لجاجتی که درنهایت باعث شد منافقین و لیبرال ها با استفاده از ساده لوحی منتظری،سخنان خود را از زبان وی بزنند. در رابطه باحمایت‌و اعتماد منتظری به‌مهدی هاشمی در کتاب «روشن‌بینی امام خمینی «ری شهری خاطره‌های نقل می‌کند که نشان دهنده

خوی لاجونه وی دربرابر توصیه‌های دلسوزانه امام(ره) است. متن این خاطره به شرح زیر است:
«نخستین بار که موضوع مهدی هاشمی را با آقای منتظری مطرح کردم روزهای پایانی سال ۱۳۶۴ ش بود. در آن زمان مسئولیت وزارت اطلاعات را داشتم. در ملاقاتی که در اتاق مطالعه‌ایشان برگزار شد، تلاش کردم ماجرای سیدمهدی هاشمی را به‌میان کشیده و با ایشان در این باره گفت‌وگو کنم. خلاصه کلام این بود؛ ارتباط مهدی هاشمی وهمکاران او با بیت شما، در وضعیتی که همه مسئولان ودوستان وخطوطسیاسی وفادار به انقلاب، با آنان مخالفت می‌کنند، ممکن است چندان به مصلحت شما نباشد. جناح‌های سیاسی موجود، دفتر تبلیغات، جامعه‌مدرسین و… حتی آقای هاشمی‌رفسنجانی نیز به این رابطه خوش‌بین نیستند… ایشان پرسید: «آقای

کمک منتظری به مهدی هاشمی برای خرید سلاح

هاشمی هم؟» پاسخ دادم: «آری». ایشان بسیار محکم گفت: «همه آنها بیخود می‌گویند، من به او اطمینان دارم. من او را از کوچکی می‌شناسم. با ما هم‌پیاله بود و با محمد ما بود و از شما چه پنهان که من، به اینها کمک می‌کنم تا سلاح بخرند… ادامه بحث را به مصلحت ندانستم. حتی در موقع خداحافظی گفتند: «شما هم شک نکن و به اعتماد داشته باش! ! واقعا عجیب بود. امام خمینی، هیچ کس را به‌طور مطلق، تایید نمی‌کند؛ چگونه آقای منتظری، چنین بی حد و مرز و به نحو مطلق، سیدمهدی هاشمی را تایید می‌کند؟! آن هم در مقابل مخالفت تقریباً همه یاران اصیل انقلاب؟! امام خمینی، ازسپاه می‌خواهد که مهدی هاشمی را به‌عنوان مظنون، تحت نظر قرار دهند و آقای منتظری از من می‌خواهند که به او اعتماد کنم! !»

مخالفت امام خمینی با انتخاب آیت‌الله منتظری

به سخنان آقای محمدی گیلانی ، امام نیز با گلایه نکاتی را مطرح می‌کنند ازجمله اینکه بررسی دست‌نوشته‌های کشف‌شده از مهدی هاشمی نشان می‌دهد نامه‌های شکوه‌آمیز آیت‌الله منتظری به امام درباره دستگاه‌ها و مسئولان کشور، ملهم از نوشته‌های سیدمهدی است و امام این مساله را طی نامه‌ای برای آیت‌الله منتظری نوشته است، آقای محمدی گیلانی به امام عرض کردند در جریان این نامه ایشان هستند و در جلسه‌ای آیت‌الله منتظری نامه را برای همه خوانده و گفته است امام خیال کرده آنچه من برایش می‌نویسم از سیدمهدی الهام می‌گیرم. امام از آقای گیلانی سوال کرد: «نامه را آورد در جلسه خواند؟» و ایشان پاسخ داد: «بله! آقای سیدعباس خاتم و سیدجعفر کریمی و چند نفر دیگر هم بودند.» امام فرمودند: «او این‌طور است. « سپس آقای گیلانی از امام خواست آیت‌الله منتظری در جلسه خبرگان به‌عنوان رهبر آینده مطرح نشود. امام قدری فکر کرده‌وفرمودند: «احمد نیست، می‌شود شما زحمت بشکسید و به آقای هاشمی

بگویند بعد ازظهر من ایشان را ببینم؟»

عصر آن روز، آقای هاشمی خدمت امام رفت و درباره این مساله با ایشان مذاکره کرد. آقای هاشمی روز ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ در جلسه مجلس خبرگان درباره این ملاقات گفت: «وقتی که ایشان آقای محمدی گیلانی به من فرمودند که حضرت امام تو را خواسته‌اند، احضار کرده‌اند، من تلفن کردم به آنجا، گفتم وقتی تعیین کردند، رفتم خدمت‌شان، دیگر نزدیک شده بودیم یا مواجه شده بودیم با آن نامه‌ای که آقای منتظری نوشته بودند به مجلس، بعد ایشان فرمودند که من دیگر کاری ندارم به موضوع… با توجه به نامه‌ای که ایشان نوشتند، هرچه در مجلس رسیدید، ایشان به این نتیجه رسیده بودند که با این نامه، خبرگان اقدامی نخواهند کرد.»

در نتیجه ملاقات آقای هاشمی با امام، بعد از نماز مغرب و عشاء، همسر مرحوم حاج‌سید احمدآقا خمینی با آقای گیلانی تماس گرفته و به ایشان گفتند: امام فرمودند آنچه امروز ما صحبت کردیم مابدا از شما تجاوز کند.»

سیاست

کتاب تازه انتشار یافته «روشن‌بینی امام خمینی» پاسخی نظام‌یافته به کتاب خاطرات مرحوم منتظری است

رازهای یک سقوط

آینده نظام را از دست داده‌اید.»

بررسی اتفاقات تاریخی که منجر به انتخاب آیت‌الله منتظری به‌عنوان قائم‌مقام رهبری شد و در نهایت حوادث سال‌ها بعد از آنکه منجر به عزل ایشان از این مقام گشت از عبرت‌های مهم تاریخ انقلاب اسلامی است، در تبیین این واقعه اخیراً کتاب «روشن‌بینی امام خمینی در نامه ۱/۱۶/۱۳۶۸»، به قلم آیت‌الله محمدری شهری وزیر وقت

مواجهه امام با منتظری در قضایای مهدی هاشمی و ایستادگی‌های وی در برابر حق همواره اصلاح‌گرایانه بوده است، امام با وجود اینکه از ابتدا با قائم‌مقامی منتظری مخالف بودند، اما سعی داشتند وی را به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های نظام در جبهه انقلاب حفظ کرده و از سقوط وی جلوگیری کنند. در این رابطه ری شهری برای نخستین‌خاطره از آیت‌الله طاهری در کتاب «روشن‌بینی امام خمینی» نقل می‌کند که نشان‌دهنده رویکرد اصلاح‌گرایانه حضرت امام(ره) و افق دید ایشان است. در این خاطره از زبان آیت‌الله طاهری، امام‌جمعه اصفهان آمده است: «حدود چهارماه قبل از دستگیری مهدی هاشمی، به خدمت حضرت امام رسیدم و با تاکید ایشان، روی نیمکتی که خودشان می‌نشستند، در کنار ایشان نشستم و مطالب خود را گفتم. خواستم دست ایشان را بوسم و خداحافظی کنم که ایشان بدون مقدمه فرمودند: «آقای طاهری! در بابید آقای منتظری را؛ این وظیفه شماست. احساس سنگینی از شنیدن کلمه «وظیفه» مرا به نشستن وا داشت.»

عرض کردم: «وظیفه ما چیست؟»

امام فرمودند: «بروید و با ایشان صحبت کنید و بگویند من روی شما، سرمایه‌گذاری کرده‌ام. اگر می‌بینید که روحانیون در مقابل شما نمی‌ایستند، به این دلیل است که من هستم و اگر روزی من نباشم، آنها در مقابل شما خواهند ایستاد. لذا شما نباید ضعفی داشته باشید و این مهدی هاشمی، بهانه‌ای است دست آنها. اینکه شما بگویید من چهارماه است او را ندیده‌ام و با فرستاده‌ام از قول من دعوایش کرده‌اند، کفایت نمی‌کند. شما باید اعلامیه بدهید که مهدی هاشمی با من هیچ ارتباطی ندارد و کارهایش مورد تایید من نیست و رفت و آمد او را به بیت خودتان ممنوع کنید.»

به ملاقات آقای منتظری رفتم، هادی هاشمی هم حضور داشت. قدری صحبت کردیم تا او برود. او

کماکان نشستسته بود.

به آقای منتظری گفتم: «پیغامی برای شما دارم»

گفت: «بگو»

۲

اطلاعات در دهه ۶۰ و به همت موسسه چاپ و نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی(ره) انتشار یافته، در شماره امروز «فرهیختگان» به مناسبت سالگرد انتخاب منتظری به‌عنوان قائم‌مقام رهبری بخش‌هایی از این کتاب را که در تحلیل شخصیت وی و در پاسخ به ادعاهایش در کتاب «انتقاد از خود» است، مرور می‌کنیم.

امام^(ه)؛ آقای طاهری! در باید آقای منتظری را

گفتم: «محرمانه است.»

هادی هاشمی خارج شد و من مطلب را مطرح کردم.

آقای منتظری گفت: «خب، حالا تا ببینم.»

گفتم: «آقا این امر ولی فقیه است. مگر شما خودتان ولایت فقیه را قبول ندارید و مگر آن را تدریس نکرده‌اید؟! و…»

آنچه در این پیغام، قابل‌تامل است و اهمیت آن را مضاعف می‌کند، آن است که این سخنان امام خمینی، قبل از کشف خانه تیمی متعلق به سیدمهدی هاشمی و بیش از مشخص شدن قطعی نقش وی در قتل مرحوم آیت‌الله شمس‌آبادی و دیگران است. بعدها نیز با کشف مقادیر زیادی سلاح غیرقانونی در منزل مهدی هاشمی و دستگیری وی، منتظری در واکنش به این دستگیری ملاقات‌های خود را قطع کرد و دست به اعتصاب خانگی زد. اعتصاب و دلخوری‌ای که در آن شرایط حساس کشور مبدل به یکی از بحران‌ها برای نظام شد، به‌همین خاطر بسیاری از دلسوزان انقلاب، از این اقدام منتظری رنجیدند و هرکس تا جایی که امکان داشت برای پایان گرفتن این اعتصاب تلاش کرد. در مورد این اعتصاب نیز خاطره دیگری از آیت‌الله طاهری در کتاب «روشن‌بینی امام خمینی» از سفرش به قم و دیدار با منتظری برای شکستن اعتصاب و مواجهه او در این جلسه آمده است: «از اصفهان به قم رفتم. دوساعت به غروب مانده بود که با ایشان ملاقات کردم. آنقدر حرف زدم که آقای منتظری گفت: «وقت نماز گذشت.» گفتم: «باشد، می‌روم؛ ولی فردا پیش‌آن‌ظهر می‌آیم.» گفت: «بس است دیگر. حرف‌هایمان را زدیم.» گفتم: «من هنوز حرف دارم.» در این ملاقات بود که آقای منتظری گفت: «امام، کار بی‌ربطی کرده و من، مهدی هاشمی را می‌شناسم و او را تایید می‌کنم.» وقتی بیرون آمدم، اطرافیان دور مرا گرفتند و گفتند: «ما هم حرف داریم…» به خدمت آقای مشکینی رفتم و اصرار کردم که «آقا! بروید با ایشان صحبت کنید.» آقای مشکینی گفت: «فایده ندارد.» گفتم: «احدقل برای اینکه حجت را تمام کنید.» ایشان پذیرفتند و رفتند و …»

یک اسلام‌شناس هم می‌تواند ولی فقیه باشد

فقهی را برای رهبری لازم می‌داند که خود او در صفحه ۲۴ کتاب انتقاد از خود گفته است: «ولی فقیه لزومی ندارد حتما آخوند باشد و یک غیر معمم اسلام‌شناس هم می‌تواند ولی فقیه شده»، زیرا هدف اصلی از ولایت فقیه در جامعه‌ای که مردم آن، به پیاده کردن احکام اسلامی رضایت داده‌اند، همان اسلامی بودن قوانین کشور و روند کلی آن است که این هدف با هر شکلی و مدلی از حکومت که تأمین شود، کفایت می‌کند. ری شهری همچنین معتقد است حتی اگر شاهد تناقضات گفتاری آیت‌الله منتظری در مورد شرایط ولی فقیه نبودیم، باز هم تشخیص وی برای اعضای خبرگان حجت نیست؛ «زیرا اولاً بسیاری از اعضای خبرگان، خود فقیه و مجتهد بودند، ثانیاً آنها مقلد آقای منتظری نبودند تا تشخیص وی برای آنها معتبر باشد.»

ماجرای استنگاف آیت‌الله خامنه‌ای از انتشار رساله

نام بردن از من نیست» ولی تصمیم جمعی از جامعه مدرسین بر این قرار گرفت که اسامی هفت نفر، ازجمله ایشان به‌عنوان مراجع تقلید اعلام شود. علاوه بر این مورد ری شهری در کتاب خود خاطره‌ای از ناطق نوری نقل می‌کند که عیناً در زیر می‌آید:

«روزی در حیاط منزل آیت‌الله خامنه‌ای با هم قدم می‌زدیم، به ایشان گفتم: چرا رساله نمی‌دهید؟ عده‌ای از شما تقلید می‌کنند، جامعه مدرسین هم شما را در ردیف مراجع تقلید معرفی کرد… ایشان فرمود: «اولاً مراجع تقلید هستند و نیازی به رساله من نیست؛ ثانیاً مسئولیت اخروی من، کم است که یک‌بار دیگر را هم بدوش بگیرم؟! ثالثاً درحال حاضر گاهی شب‌ها وقتی به سنگینی باری که بر دوش دارم فکر می‌کنم، خوابم نمی‌رود، حالا بیایم یک‌بار سنگین دیگر را هم بردارم!«

^[1] فریب نیست، بلکه در واقع همان وظیفه من است

^[2] فریب نیست، بلکه در واقع همان وظیفه من است